

زمان طولانی برای کشف پیچیدگی‌های روانی و اخلاقی زندگی معاصر استفاده کردند.

این فیلم‌ها با الکساندر کلوگه، فولکر شلوندورف، راینر ورنر فاسبیندر، ادگار رایتز، هانس یورگن سایبربرگ و ویم وندرس مرتبط هستند.

### مهمترین آثار تاریخ سینمای آلمان

در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰، موج جدیدی از فیلمسازان جوان آلمانی در صحنه ظاهر شدند و بسیاری از قرارداد‌های زیبایی‌شناختی و موضوعی فیلم‌های هالیوود را به چالش کشیدند. در زمانی که فرهنگ جوانان در جریان بود، این کارگردانان از فیلم‌های خود برای بررسی مضامین سرکوب جنسی، زوال اخلاقی و ناامیدی وجودی استفاده می‌کردند. در مجموع، فیلم‌های تولید شده در این جنبش از مهم‌ترین آثار تاریخ سینما هستند. آنها نحوه نگرش منتقدان به سینما، انتظارات مخاطبان از تجربه سینما و نحوه فکر فیلمسازان در مورد خلق داستان و گفتن آنها را تغییر دادند.

ویژگی‌های سینمای جدید آلمان چه بود؟ بسیاری از مردم هنوز آن را اساساً به عنوان یک جنبش کارگردان می‌دانند - یعنی گروهی از فیلمسازان همفکر که با یکدیگر دوست یا حتی نسبت فامیلی داشتند. این شامل افرادی مانند ورنر هر تزوگ (که بعداً به ساخت فیلم‌های مستند پرداخت)، فاسبیندر (که بیش از ۴۰ فیلم ساخت)، وندرس، کلوگ و دیگرانی را در بر می‌گیرد که در طی چندین دهه به دلیل آثارشان مشهور شده‌اند. اما در حالی که این نام‌ها مشهور هستند در میان طرفداران سینمای بین‌المللی امروز، کمتر کسی متوجه می‌شود که سینمای جدید آلمان شامل کارگردان‌های زن مانند مارگارت فون تروتا و هلماسندر برامس نیز می‌شود.

مانند بسیاری از معاصران خود، پیتز سادک از نسلی جدا بود که خیلی جوان بود که شخصاً تحت تأثیر آلمان نازی قرار نگرفت، اما به اندازه کافی بزرگ بود که بی‌تفاوتی جمعی پس از جنگ این کشور را رد کند. چندین عضو سابق نازی به طور یکبار چه با کمترین مجازات برای مشارکت فعال یا همدستی در یک رژیم شیطانی دوباره در جامعه ادغام شدند و از این طریق به اکثر آلمانی‌ها اجازه دادند هر گونه خاطره نگران‌کننده از گذشته بسیار نزدیک را سرکوب کنند. این سرکوب همه‌جانبه، شورش‌های مختلفی را بر روی صفحه نمایش تشویق کرد، که به طرز باشکوهی در «من یک فیل هستم، مادام» به نمایش درآمده است.

این فیلم اعتراضات و زندگی خصوصی گروهی از دانش‌آموزان دبیرستانی را در آخرین سال تحصیلی‌شان دنبال می‌کند، با تمرکز ویژه بر تحریک‌کننده غیرسیاسی، رول (ولفگانگ اشتاینبرگ)، که روش‌های اعتراضی او باعث ناراحتی مدیریت مدرسه، آلمانی‌های مسن‌تر و جوانان چپ‌گرا می‌شود.

## نگاهی به سینمای مدرن آلمان

# سینمای قدیمی مرده است



در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰، موج جدیدی از فیلمسازان جوان آلمانی در صحنه ظاهر شدند و بسیاری از قرارداد‌های زیبایی‌شناختی و موضوعی فیلم‌های هالیوود را به چالش کشیدند

از استعداد‌های دیگر که شامل کارگردانان زن مانند هلماسندر برامس و مارگارت فون تروتا بود. آنها مانیفست اوبرهاوزن در سال ۱۹۶۲ را که ۲۶ فیلمساز سرخورده آلمانی به آغوش کشیدند، به عنوان سکوی پرش خود گرفتند و شعار غیررسمی آن "Papa's Kino ist tot" ("سینمای پاپا مرده") را در بینش‌های جدید و شگفت‌انگیزی از آنچه سینما در زمان می‌تواند باشد به کار بردند. سازندگان آن واقعا ذهن خود را به آن معطوف کرده‌اند. این جنبش با گروهی از کارگردانان جوان آلمانی آغاز شد که از فیلم‌های آمریکایی اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰، به ویژه فیلم‌های هاوارد هاکس، جان فورد و آلفرد هیچکاک الهام گرفتند. مشخصه آنها تمرکزشان بر زندگی روزمره و رد تکنیک‌های روایت کلاسیک هالیوود بود. آنها اغلب با تمرکز بر افراد بیگانه از جامعه، از روایت‌های غیرخطی و

سینمای جدید آلمان در دهه ۱۹۶۰ آغاز شد و تا دهه ۸۰ ادامه یافت، پاسخی هنرمندانه به رکود صنعت فیلم بود با یک اعلامیه انقلابی: «سینمای قدیمی مرده است. ما به سینمای جدید ایمان داریم.» تحت تأثیر چشم‌انداز موج نو فرانسه، نسل‌های جدیدتر فیلمسازان با بودجه نسبتاً کمتری دست به نوآوری زدند.

سینمای جدید آلمان مانند نهالی از صنعت فیلم پس از جنگ این کشور ظهور کرد. از نظر فرهنگی، کشور، هنوز ۲۰ سال از خداحافظی لنین، در وضعیت ضعیفی قرار داشت. جناح ارتش سرخ در حال گسترش و وحشت بود، ملت از وسط جدا شد و ستارگان راک غربی به زودی ذخایر هروئین برلین را پرداخت کردند. در این خلأ مانند پاسخی به دعاهای سینماگران آلمان غربی، سه بزرگ وارد شدند: راینر ورنر فاسبیندر، ورنر هر تزوگ و ویم وندرس، و همچنین گروهی